

زاله عزیز

آرزوی من ارسال پاکت، زنده ها غنچه و نورسرم در کتابخانه کتاب هلم آهاده شده بودند بهرست می کنم

نامه بت رسید. از اینکه تاکنون «خطابه از مکتوب سرخ» را برایت نیاورد و از آن تا سفر بودم به دوستانی که با شما بیشتر آشنایی دارند. شاید هنوز هم در راه است و برسد. شاید به نوبه خود پیگیری کنید.

میک نامه دست با نظام کن با در یک پاکت در بسته. همراه این نامه «ماه در آینه» را برایت از طریق دوستانی که <sup>بیت</sup> آنها را برایت می فرستند روانه می کنم. خوشالم که سلامت خودت را با باز یافته و به سر رسیدن سر بر داشته ای. دلم می خواست از شوها تازو برام بفرستی.

در مورد کالکته که برامون می خدایم در یاد تو نوشته بودم با تو هم عقیده ام. شوکلاستیک مانند هر چیز دیگری دارای نقاط قوت و ضعف است. به نظر من تا آنجائی که به شکران بر حبه کل است و ما بر سر دور نقاط قوت افزون تر از نقاط ضعف از عدت ماندگار و ارزشمندی آنها هم در همین است.

سعی کنی نتواند و نباید پیشینه ادبی را نفی کند. هر نفسی باید دیالکسیکی باشد و این یعنی آنکه از کاستی ها شوکلاستیک هم جسم فرود نیوسم. شکران ما می خواهند شکران را هر چه بیشتر ارتقا بدهند و لذا لازم است گذشته را خوب ببینند و بشناسند. امید دارم که گمان نقد و نظر تو را در باره این مقادیر در بخت کنم. چون شاید بخوام آنها را باز نویسی کنم بر چاپ در کتاب. هنوز ۴-۵ مقاله

اساسی دیگر یا در واقع فضول دیگر را باید به آن بیفزایم. نیروی انسانی می شود ولی بهر حال کارها هست که شروع کرده ام و باید به پایانش برسم.

از اوضاع و احوال هنر و ادبیات و شکران و فرسایدگان آن دیار برام خوشتر است؟ کدامیک از شکران و نویسنده گان ما در آنجا و به چه میزان شنیده شده اند؟ خودت چیکارهای کنی؟ روزگار من هم بد نیست. کم کم رخنه ها را برافش کنی در مطبوعات آلمانی زبان یافته ام. هم انبیا یک مجموعه شعر

از اشعار ترجمه شده ام اما در چاپ دارم ولی هنوز بر این باورم نوشته هستم که هر چه در هفته ~~مجموعه~~ دیگریم «از سر زین همه بهار» نشر می شود. جلد فارسی و ابرو تو می فرستم. فکر کنی که جلد آلمانی و من بدردت بخورد. قرار است به دوسه زبان دیگر هم ترجمه شود.

سلام مرا به یاد آشنایی برسان. بی نیای است را می برسم.

۱۳۶۷.۴.۹  
بوخوم - اکا کفدرال

میلانی

Mans